مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نویسنده: نوروز حمید ۲۰۲۶/۱۱/۲۱

حاکمیت سیاه طالبان برای یک دوره طولانی؟


نوروز حمید

اگر حاکمیت سیاه طالبان در افغانستان برای یک دوره طولانی، مثلن ده تا بیست سال آینده، ادامه یابد، پیامد های آن فراتر از مسائل سیاسی و امنیتی امروز خواهد بود، و می تواند سرنوشت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این کشور را به شکلی عمیق دگرگون کند. تداوم چنین وضعیتی ممکن است به تدریج جامعه افغانستان را به سوی ساختاری بسته، منزوی و مبتنی بر تمرکز قدرت سوق دهد، ساختاری که در آن آزادی های فردی و اجتماعی محدودتر می شود، مشارکت سیاسی مردم به حاشیه می رود و امکان شکل گیری نهاد های مستقل و پاسخگو کاهش می یابد.

یکی از نگران کننده ترین پیامد های این روند، محرومیت مستمر زنان و دختران از آموزش، اشتغال و مشارکت در عرصه های عمومی است، محرومیتی که نه تنها حقوق نیمی از جمعیت کشور را تحت تاثیر قرار می دهد، بلکه ظرفیت انسانی و علمی افغانستان را نیز برای نسل های آینده تضعیف می کند. در چنین شرایطی، نسلی از دختران و زنان ممکن است بدون فرصت کافی برای تحصیل، استقلال اقتصادی و حضور اجتماعی وارد بزرگسالی شود و این مسئله آثار خود را در ساختار خانواده، اقتصاد و فرهنگ جامعه برجای بگذارد .اما شاید عمیق ترین و خطرناک ترین پیامد تداوم حاکمیت طالبان، میراث فکری، فرهنگی و تربیتی آن برای نسل های آینده افغانستان باشد. اگر طالبان برای سال های طولانی در قدرت بمانند، زیر سایه میراث فکری و اجتماعی آنان نسلی رشد خواهد کرد، که ممکن است خشونت، سنگسار، قطع عضو، مجازات های بدنی، سرکوب آزادی های فردی و نقض حقوق اولیه انسان ها را نه به عنوان اموری غیرانسانی و خلاف کرامت بشری، بلکه به مثابه واقعیت هایی عادی، پذیرفتنی و حتی مقدس تلقی کند. خطر اصلی تنها اعمال این مجازات ها در زمان حاضر نیست، بلکه عادی سازی تدریجی آنها در ذهن و وجدان نسل هایی است، که در چنین فضایی پرورش می یابند. به بیان دیگر، وقتی خشونت در پوشش دین توجیه شود، و اطاعت بی چون و چرا جای پرسشگری و تفکر انتقادی را بگیرد، جامعه به تدریج توان تشخیص میان ایمان دینی، تعصب مذهبی و استبداد دینی را از دست می دهد. این نگرانی زمانی جدی تر می شود که به یاد بیاوریم حتی در دوران جمهوریت و با وجود فضای نسبتا بازتر آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، نفوذ جریان های تندرو مذهبی و ذهنیت های سنتی و اقتدارگرا در بخش هایی از جامعه، از جمله در میان برخی تحصیل کردگان و محصلان، همچنان حضور داشت. بنابراین، اگر چنین گرایش هایی در دوره ای که امکان دسترسی به آموزش، رسانه های متنوع و ارتباط با جهان وجود داشت، توانسته بودند در لایه هایی از جامعه نفوذ کنند، تداوم حاکمیت طالبان و انحصار فضای آموزشی و فرهنگی می تواند زمینه را برای گسترش و نهادینه شدن عمیق تر این ذهنیت فراهم سازد. در چنین وضعیتی،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

نسل آینده ممکن است نه تنها از تجربه آزادی و تکثر محروم بماند، بلکه حتی تصور روشنی از امکان زیستن در جامعه ای آزاد، مداراگر و برخوردار از حقوق برابر نیز نداشته باشد .از سوی دیگر، ادامه این وضعیت می تواند موجب مهاجرت بیشتر نخبگان، متخصصان، روشنفکران و نیرو های تحصیل کرده شود، و افغانستان را از سرمایه انسانی مورد نیاز برای بازسازی و توسعه محروم سازد. محدودیت های اجتماعی و فرهنگی، نبود امنیت اقتصادی، فقدان چشم انداز روشن برای آینده و دشواری تعامل با جهان خارج می تواند زمینه ساز گسترش فقر، بیکاری، وابستگی به کمک های بشردوستانه و کاهش سرمایه گذاری شود. در عرصه سیاسی نیز تمرکز قدرت، نبود سازوکارهای موثر مشارکت عمومی و به حاشیه راندن گروه های قومی، مذهبی و اجتماعی ممکن است شکاف میان حاکمیت و بخش هایی از جامعه را عمیق تر کند و زمینه نارضایتی و تنش های داخلی را افزایش دهد. هرچند ممکن است تداوم حکومت طالبان در برخی حوزه ها با کاهش جنگ های گسترده و نوعی ثبات امنیتی همراه باشد، اما ثباتی که با محدودیت آزادی ها، حذف بخش هایی از جامعه و فقدان مشارکت سیاسی همراه باشد، لزومن به معنای توسعه، رضایت عمومی یا پایداری بلندمدت نیست .در سطح منطقه ای و بین المللی نیز ادامه این روند می تواند افغانستان را در موقعیتی دشوار قرار دهد. محدودیت در روابط دیپلماتیک، مشکلات کسب مشروعیت بین المللی، کاهش همکاری های اقتصادی و وابستگی بیشتر به مناسبات محدود منطقه ای، امکان بهره گیری از ظرفیت های جهانی برای بازسازی کشور را کاهش خواهد داد. در چنین شرایطی، افغانستان ممکن است به تدریج از تحولات علمی، اقتصادی و فرهنگی جهان فاصله بگیرد و به کشوری منزوی تر تبدیل شود. با این حال، شاید عمیق ترین پیامد تداوم حاکمیت طالبان، دگرگونی تدریجی ذهنیت، ارزش ها و افق فکری نسل های آینده باشد، زیرا نظام آموزشی، رسانه ها، نها های فرهنگی و فضای عمومی جامعه در شکل گیری نگرش و هویت نسل های بعدی نقش تعیین کننده دارند. اگر یک نسل برای سال های طولانی در فضایی محدود از نظر آموزش، اندیشه، آزادی و ارتباط با جهان پرورش یابد، آثار این وضعیت حتی پس از تغییر احتمالی حکومت نیز به سادگی از میان نخواهد رفت. نسلی که در چنین فضایی بزرگ شود، ممکن است برای بازسازی جامعه ای مبتنی بر آزادی، حقوق برابر، مدارا و عقلانیت، با دشواری های فکری و فرهنگی عمیقی روبه رو باشد .به همین دلیل، مسئله افغانستان تنها مسئله تداوم یا تغییر یک حکومت نیست، بلکه مسئله آینده یک جامعه و سرنوشت چندین نسل از مردمان آن است. خطر بزرگ تر آن است که استبداد دینی موجود، به استبداد فکری و فرهنگی تبدیل شود و آنچه امروز با زور بر جامعه تحمیل می شود، فردا در ذهن نسل های بعدی به یک باور درونی و امر طبیعی بدل گردد. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، حتی تغییر حکومت نیز به تنهایی برای رهایی جامعه کافی نخواهد بود، زیرا استبدادی که در ذهن و فرهنگ یک جامعه ریشه دوانده باشد، بسیار دیرتر از استبدادی که تنها در ساختار قدرت حضور دارد، از میان می رود. شاید بتوان گفت بزرگ ترین خطر تداوم حاکمیت طالبان این است، که افغانستان نه فقط فرصت های امروز خود، بلکه امکان اندیشیدن به آینده ای متفاوت، آزاد و انسانی را نیز به تدریج از دست بدهد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ